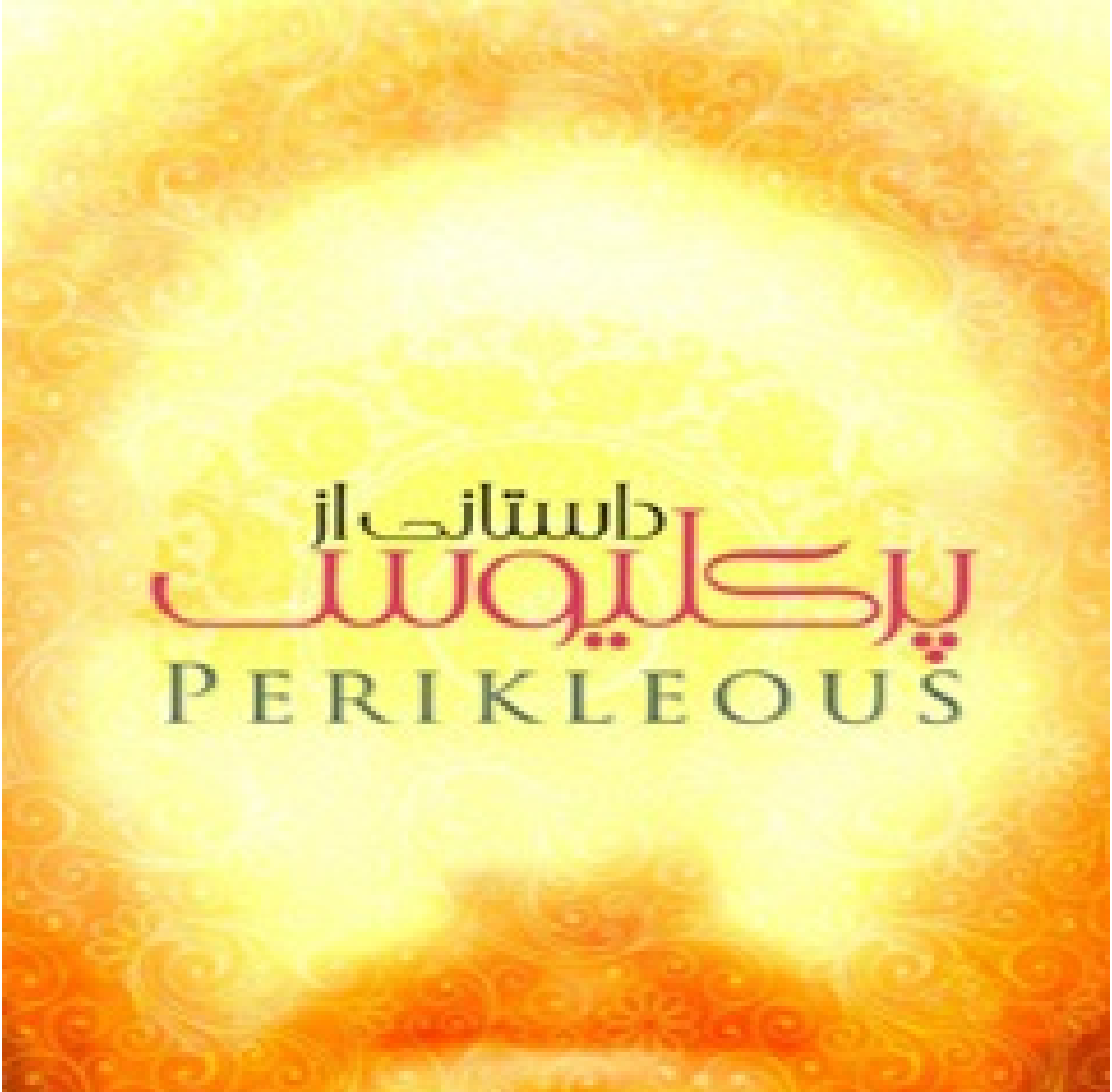

داستانی از
پرکلیوس
PERIKLEOUS

بسم الله الرحمن الرحیم

داستانی از پرکلیوس

نویسنده:

محمود بحرالعلوم میردامادی

ناشر چاپی:

بهار قلوب

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

داستانی از پرکلیوس

مشخصات کتاب

سرشناسه : میردامادی،سید محمود، ۱۳۳۶ -

عنوان و نام پدیدآور : داستانی از پرکلیوس/ نویسنده سیدمحمود بحرالعلوم میردامادی.

وضعیت ویراست : [ویراست۲].

مشخصات نشر : اصفهان: بهار قلوب ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری : ۵۰ ص.؛ ۵/۹ علیه السلام ۵/۱۹ س م.

شابک : ۲۰۰۰۰ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۹۹۶۷-۰۸-۰

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : کتاب حاضر قبلا با عنوان "داستانی از پرکلیوس: گفتگو با سران ادیان و مذاهب" در سال ۱۳۷۹ منتشر شده است.

یادداشت : چاپ دوم.

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر : داستانی از پرکلیوس: گفتگو با سران ادیان و مذاهب.

موضوع : اسلام -- بررسی و شناخت

موضوع : خاورشناسان -- دیدگاه درباره اسلام

موضوع : محمد (ص)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ق. -- تفاسیر مسیحی

موضوع : محمد (ص)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ق. -- تفاسیر یهودی

رده بندی کنگره : BP۱۱/م۸۶۶د۲ ۱۳۹۳

رده بندی دیویی : ۲۹۷

شماره کتابشناسی ملی : ۳۶۱۰۵۱۹

ص:۱

اشاره

نویسنده: سید محمود بحرالعلوم میردامادی

ناشر: بهار قلوب

چاپ اول: ۱۳۹۳

چاپخانه: گل وردی

تعداد: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۰-۰۸-۹۹۶۷-۹۶۴-۹۷۸

قیمت: ۲۰۰۰ تومان

ص:۴

پیشگفتار

پرکلیوس(Perikleos) یـا فارقلیطا ترجمه ی یونانی و سـریانی نام محمّـد و احمـد صـلی الله علیه و آله اسـت(۱) کـه به معنی بسیار ستوده می باشد. (Peri به معنی بسیار و Kleos به معنی ستوده است)(۲)

در بعضـی از انجیـل هـایی که بعـد از اسـلام نگـارش یـافته از کلمه ی «پـاراقلیطوس» نـام می برنـد که به معنـای تسـلی دهنـده است.(۳)

اگر چه نگارش کنندگان این نوع انجیل ها قصدشان تحریف حقیقت محمّدیّه و احمدیّه علیه السلام

ص:۵

۱- - انیس الاعلام فی نصره الاسلام، ج۱، ص۸: نوائب الدهور، ج۴، ص۳۰۴-۳۰۳.

۲- - مصـقل صـفا: علامـه ی متتبّع مرحوم میر سـید احمـد علوی جبـل عـاملی رحمه الله ، دامـاد محقق بزرگ مرحوم میرداماد رحمه الله ، ص۲۹۸.

۳- - انیس الاعلام فی نصره الاسلام، ج۱، ص۱۳.

است، ولی باز، این کلمه می تواند خبر دهنده ی بعثت بشیر و نذیر باشد که بر راه و روش حضرتش تطبیق دارد.

در تورات از این نام نیکو و بزرگ با لفظ عبری «مآدمآد»(1)

که ترجمه ی سریانی آن «طاب طاب» می باشد، یاد شده است.(2)

و از جانشینان آن حضرت به:

۱- إیلیا

۲- قیذار

۳- اذوئیل

۴- مفسام

۵- شفاع

۶- اذوما

۷- میشا

۸- هذاذ

۹- قیمشا

۱- - مصقل صفا: ص۶۹، لوامع ربانی، ص۲۸.

۲- - انیس الاعلام، ج۵، ص۶۹.

۱۰- یطور

۱۱- لاقیش

۱۲- اقیذما= قیذما(۱)

یـاد می شود؛ بـدلیل همین بیانـات و بشـارات که در تورات و انجیـل اصـلی و غیر محرّف آمـده و به دلیـل کمال آئین مقـدّس اسـلام، و بزرگی دانشـگاه علمی، تربیـتی رسـول اکرم صـلی الله علیـه و آلـه و جانشـینان معصـوم آن بزرگـوار، عـده ای از اندیشمندان یهود و نصاری مسلمان شده و به تبلیغ این طریق ربّانی و سیر الهی پرداخته اند.

بیان این نکته برای مبلغان اسـلام و مروّجین تشیّع و سـربازان سـرافراز حضـرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف لازم و ضروری است، که تبلیغ و تبیین بزرگی اسـلام، تشـریح معارف، حتی بصورت کم و مختصر هم، بی نتیجه و بدون ثمر نخواهد بود.

چرا که اسلام، آئینی کامل و جاذب است، و با فطرت بشر موافق می باشد. به تعبیر دیگر، اسلام خود مبلغ

۱- - مصقل صفا، ص۷۵، لوامع ربانی، ص۲۹.

خود

است، مُشکی است که عطر فشانیش دلیل بزرگی و عظمتش می باشد.

فقط لازم است مبلغ شروع به سخن نماید و با اخلاق نیکو و سعه ی صدر به تشنگان حقیقت، آب حیات را نشان دهد.

گفتم: تشنگان حقیقت! آری اگر افراد جامعه تشنه نباشند، تبلیغ فایده ای نمی بخشد، نشان دادن آب ثمری ندارد.

البته مبلغ باید امیدوار باشد، چون اسلام حق است، چون مکتب تشیع شیرین است، چون اهل البیت علیهم السلام معطر به عطر صداقت و عدالتند، و خود عین صداقت و عدالتند. پس، در جامعه ی تشنه، مبلغ برنده است.

متأسفانه، تبلیغات مخالفین، سمپاشی منحرفین، تشنگی و حقیقت خواهی جوامع بشری را سرکوب کرده است، ستم و تجاوز، گناه و هوی خواهی، فطرت سلم خواهی و خداجویی را به سکون و

انزوا کشانده است.

مبلّغ باید بیشترین سعیش نشان دادن کجی ها، و

ص:۸

به تعبیر دیگر انحراف مذهب های غیر الهی باشد و با تبلیغات مخالف مبارزه نماید.

نفی خدایی معبودهای دروغین، کفر به طاغوت ها، مبارزه با سمپاشی ها، قبل از تبلیغ توحید و تبیین معارف اهل البیت علیهم السلام ، باید صورت پذیرد و این همان توجه به «لا اله الا الله» است.

بر این اساس کار مبلغ سخت و دشوار است، باید بر تلاش خود بیفزاید و کیفیت سخنگویی اسلام را بالا ببرد.

در جامعه ای که سالیانه ده ها و صدها کتاب و نشریه، علیه اسلام و دانشگاه اهل البیت علیهم السلام چاپ و منتشر می گردد و مخالفین با مدرنترین تجهیزات فرهنگی و سلاح های مخرب، به تخریب دین و فرهنگ ائمه ی معصومین علیهم السلام می پردازند، تلاشی جهانی و مجاهده ای وسیع و سراسری

لازم است.

ضرورت این تلاش وسیع و فعالیت مستمر را عده ای از علماء اسلام به خوبی واقف شده، و با تشریح مبانی اسلام و معارف اهل البیت علیهم السلام و نشان دادن برتری های دین مبین در بخش دین شناسی

ص:۹

مقایسه ای، تشکیل کلاس ها، کنفرانس ها، کتابخانه ها، و نوشتن کتاب های مذهب شناسی، امام شناسی بصورت تخصصی، انجام مباحثه ها و مناظره ها با محققین غیر مسلمان و غیر شیعه، انعکاس نظرات اندیشمندان جهان در مورد اسلام و گزارش مسلمان شدن آن ها، تألیف و نشر مقالات در افشاگری خیانت های استعمارگران به زبان های مختلف دنیا، اعزام مبلغین کار آزموده و با تجربه به کشورهای مستعد و تشنه ی اسلام، پاسخگویی سؤالات و شبهات با وسائل مجهز بالاخص از طریق فضای مجازی، راه را بر مهاجمین فرهنگی مسدود، قلب مقدّس ولّی دوران، هادی زمان، غریب هستی، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را در

نصرت قرآن و عترت علیهم السلام مسرور می نماید.

حقیر با بهره برداری از همین روش، به فکر تأسیس مرکز جهانی و مدرسه ی عقائد و کتابخانه ی تخصصی حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف افتاده، با تشکیل مباحث تخصصی پیرامون ولایت و معرفه الحجه عجل الله تعالی فرجه الشریف و نقد تعدادی از نوشته های انحرافی، به مبارزه با تهاجم فرهنگی پرداخته و بحمدالله تعالی در

مباحثاتی که با بعضی از محققین خارجی داشته، در تبلیغ اسلام و مکتب اهل البیت علیهم السلام به موفقیت رسیده ام.

نوشته ای که پیش روی شما است، زبان حالی از اسلام محمّدی صلی الله علیه و آله است که با اندیشمند و کشیش بزرگ مسیحی «محمّد صادق فخرالاسلام، تحصیل کرده ی واتیکان» و «پرفسور هانری کربن، مستشرق شهیر فرانسوی» به مصاحبه نشسته و حقایق الهی به زبان آنان بیان شده است.

اساس این مصاحبه و بیان این زبان حال، در روز تاسوعا و عاشورای ۱۴۲۱ ه-ق

ص:۱۱

در مسافر تبلیغی ریخته شده، و همان زمان قصد کردم ثواب این تلاش عقیدتی را به پاسداران سنگرهای ایدئولوژیک، سربازان سرفراز حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف اهدا نمایم.

والسّلام علی من اتّبع الهدی

سیّد محمود بحرالعلوم میردامادی

اربعین حسینی، ۱۴۲۱ هـ. ق

در غروب یک روز پاییزی، به یاد بزرگی افتادم که بیمار گشته و لازم بود از او عیادت نمایم.

بیماری که در اثر سستی ها و بی توجهی اطرافیان خود، به امراض صعب العلاج مبتلا گشته، اخیراً به طور شدید به یاری و کمک نیازمند بود.

بر بالین او حاضر شدم و با او صحبت کردم، او که خانه نشین و غریب واقع شده بود؛ از اینکه به عیادتش آمده بودم، خوشحال شد و از نَسَب و روز تولدش برایم سخن گفت:

اسم من «اسلام»، فامیلم «محمّدی» می باشد.

من آخرین فرزند از یک فامیل بزرگ و سابقه دار هستم و از تولدم ۱۴۲۱ سال قمری می گذرد، الهیّون و خداپرستان در طول تاریخ با

هدفی که دنبال می نمایم خویشاوندی دارند، و مرا تأیید می کنند.

ص:۱۲

سخنگوی من فارقلیطا (Paraglita) می گوید:(۱)

بین من و خویشاوندانم در هدفی که دنبال می نماییم فرقی وجود ندارد، مگر اینکه سطح پرورش و آموزش من بالاتر و افکارم مترقّی تر است.

فارقلیطا معتقد است، روزی اندیشه ی صحیح و فرهنگ جامع من بر همه ی جوامع غالب شده و من به عنوان یگانه روش زندگی انسانی، در همه جای جهان مطرح می گردم.(۲)

در این هنگام که اسلام محمّدی از هدف والای خود سخن می گفت، دو نفر برای عیادت

او نیز وارد شده و پس از سلام و احوالپرسی آماده ی استفاده از سخنان بیمار شدند.

اسلام محمّدی از آن ها خواست خود را معرفی نمایند.

ص:۱۳

۱- – برای آن که بدانید فارقلیطا کیست به نوشته ی محمد صادق فخرالاسلام که از علماء مسیحی بوده و مسلمان شده رجوع فرمایید.

۲- – اشاره به آیه ی شریفه ی «هوالذی ارسل رسوله بالهدی...» صف: ۹.

اولی به معرفی خود پرداخت:

من محمّد صادق هستم و در یک خانواده ی مسیحی بزرگ شده ام، پدران من از علماء مسیحیّت بوده اند، و خود در زمینه ی اصول و فروع فرقه ی پروتستنت (Protestant) و فرقه ی کاتولیک (Catholic) تحصیل نموده، و از نظر علم به مرتبه ی قسّیسیّت (کشیش شدن) رسیده ام.

در سنین جوانی بعد از اینکه فارغ التحصیل تورات و انجیل و سایر علوم شدم، برای مطالعه ی عقاید سایر مذاهب، به مسافرت و تحقیق پرداختم، و برای همین منظور، خدمت یکی از قسّیسین بزرگ از فرقه ی کاتولیک

رسیدم و با او الفت و دوستی ویژه ای پیدا نمودم.

دوستی ما بدانجا رسید که او تمام کلیدهای مسکن خود را به من داده، مرا مورد لطف خویش واقع ساخت.

فقط محلی که در اختیار من قرار نگرفت و قسّیس کلید آن را به من نداد، صندوق خانه ای بود

ص:۱۴

که من خیال می کردم آنجا خزائن اموال قسّیس به شمار می آید.

یک روز قسّیس را کسالتی عارض شده، و بدین جهت درس را تعطیل نموده، به من گفت:

ای فرزندم روحانی! شاگردانم را بگو امروز درس تعطیل است.

من از نزد قسّیس بیرون آمدم و شاگردان را در حال مذاکره و مباحثه علمی یافتم.

آنها در مورد لفظ «فارقلیطا» (Paraglita) در لغت «سِریانی» و «پرکلیوس» (Perikleos) در لغت یونانی –

که یوحنّا صاحب انجیل چهارم (آمدن او را در باب ۱۴، ۱۵، ۱۶) از جناب عیسی علیه السلام نقل نموده است – بحث داغ و جدال فراوان داشتند.

گفتگوی آنها به طول انجامید و کار به درشت گویی و فریاد کشیده شد و بعد از مدتی بدون نتیجه هر کدام از شاگردان راهی را گرفته و متفرق شدند.

من خبر این مباحث و گفتگو را به قسّیس

ص:۱۵

رسانده و با التماس، حقیقت معنی این کلمه را از او جویا شدم.

به او گفتم:

ای پدر روحانی! در حقّ شاگرد خود لطفی فرموده، و معنای کلمه ی «فارقلیطا» و «پرکلیوس» را بیان کنید.

پس قسّیس به شدت گریست، و گفت:

ای فرزند! اگر معنای واقعی این کلمه را برایت بگویم، مدعیان پیروی مسیح خبردار شده، کمر به قتلم می بندند.

اگر عهد می نمایی کسی را از این راز خبر نکنی، برایت معنای این کلمه را بازگو می نمایم، پس من عهد نموده و او به بیان این راز پرداخت.

او با قاطعیت تمام بر مبنای علم و آگاهی، گفت:

ای فرزند! کلمه ی «فرقلیطا و پرکلیوس» نام پیامبری عظیم الشأن و با فضیلتی می باشد که بعد از عیسی علیه السلام مبعوث شده است، او مکتبش جامع و سازنده، جاوید و ابدی بوده، و مورد تأیید خداوند

است، سپس قسّیس کلید صندوق خانه را به من داد و گفت:

درب فلان صندوق را باز کن و فلان و فلان کتاب را برایم بیاور.

دو کتاب مذکور را به خطّ یونانی و سِریانی نگارش شده بود، نزد او آوردم، این دو کتاب قبل از بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بر پوست نوشته شده، لفظ «فارقلیطا» را به معنی (احمد و محمّد) ترجمه نموده و به بعثت آن حضرت بشارت داده است.

بعد از توضیح محقّقانه ای که قسّیس در مورد این نام مقدّس برایم بیان داشت، از او در مورد آیین مسیحیّت سؤال نمودم.

گفت: ای فرزند روحانی! دین نصاری (یعنی مسیحیّت) با آمدن اسلام منسوخ است.

گفتم: در این زمان طریقه ی نجات کدام است؟

گفت: علی التّحقیق طریقه ی نجات پیروی از حضرت محمّد صلی الله علیه و آله می باشد.

گفتم: پس برای چه شما مسلمان نمی شوید؟!

گفت: من در باطن مسلمانم، ولی از اظهار این مطلب، بر خودم می ترسم.

گفم: ای پدر روحانی! آیا مرا امر می کنی، که دین اسلام را قبول نمایم و مسلمان شوم؟

گفت: اگر خواهان سعادت و طالب آخرت هستی، البته باید دین حق را قبول نمایی!

پس از دیدن این دو کتاب که حقّانیت اسلام محمّدی را بیان داشته و کلمه ی «فارقلیطا» را به احمد و محمّد ترجمه نموده، با توجه به اینکه کتابت آنها به قبل از بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بر می گشت و با توضیحات قسّیس بزرگ و اقرار او به حقّانیّت آن حضرت، شوق تحقیق بیشتر و جستجوی کاملتر در من به وجود آمد، پس از تفکر فراوان، نور هدایت و محبت محبوب انسان ها، حضرت محمّد صلی الله علیه و آله بر روح من حاکم گردید، در این هنگام ترک مقام های ظاهری و دنیوی نموده، جهت سفر معنویت و سیر در عالم روحانیت، با قسّیس وداع کردم.

هر چه داشتم به جز چند کتاب، همه را ترک ن

ص:۱۸

موده بعد از زحمات فراوان، نیمه شبی وارد شهر ارومیه (یکی از شهرهای ایران) شدم و به

درب خانه ی حاج حسن آقای مجتهد رفتم، ایشان وقتی از توجه من به اسلام محمّدی با خبر شد، بسیار خوشحال گردید، از حضور ایشان خواهش نمودم که، کلمه ی طیبه و ضروریات دین را به من یاد بدهد.

بعد از اقرار به حقانیت دین مبین اسلام و اعتراف به بزرگی پیامبر و عترت ایشان داخل در دین حق گردیدم.(۱)

پس از آن، تحصیلات اسلامی را نزد حاج حسن آقای مجتهد، شروع نموده و بعد از مدتی به نجف اشرف مشرف گردیدم و مدت ۱۶ سال از دروس اساتید بزرگ آن حوزه، کسب فیض نمودم.

من مسافرت های زیادی داشته، و همواره مبلغ اسلام بوده ام، کتابی در حقانیت اسلام و طریق اهل البیت علیهم السلام نوشته، و از کتب ادیان

دیگر بر این

۱- - انیس الاعلام فی نصره الاسلام: جلد اول: ص ۲۰.

مطلب تأیید آورده ام.(۱)

اسلام محمّدی: از بیانات شما در معرفی خود و اهدافی که دنبال می نمایید، بسیار شادمان گشتم و از اینکه به یاری و مدد من آمده، طبق دستور عیسی مسیح علیه السلام به مکتب «فارقلیطا» مشرف شدید، از شما تشکر می نمایم.

در این هنگام، ملاقات کننده ی دومی به معرفی خود پرداخت، و چنین گفت:

من «پروفسور هانری کرُبن فرانسوی» (Corbin) هستم، مستشرق و اسلام شناس می باشم.

مصاحبات من با علامه ی طباطبایی به چهار زبان «فارسی، عربی، فرانسه، انگلیسی» منتشر شده است.

تحقیقات فراوان و بررسی کاملی که من پیرامون اسلام محمّدی و مذهب تشیع

داشته ام، مرا نزدیک و

۱- - این کتاب ارزشمند انیس الاعلام فی نصره الاسلام نام دارد، مطالعه ی آن برای محققان ضروری است.

بلکه مؤمن به اسلام نموده است.(۱)

من در سخنانم به مخالفین اسلام گفته ام:

«اگر انـدیشه محمّـد صـلی الله علیه و آله خرافی بـود و اگر قرآن وحی الهی نبـود هرگز جرأت نمی کرد بشـر را به علم دعوت کنـد، هیـچ بشـری و هیچ طرز فکری به اندازه ی محمّد و قرآن و به دانش دعوت نکرده است، تا آنجا که در قرآن ۹۵۰ بار از علم و فکر و عقل سخن به میان آورده است».(۲)

بـا تحقیقاتی که من در مـذاهب مختلف داشـته، و کتاب هایی که خوانـده ام به این نتیجه رسـیده،که مـذهب برتر و طریق حق، مذهب و راه اهل البیت علیهم السلام است.

اعتقاد من این است که در دنیا، یگانه مذهب زنده و

اصیل که نَمرده است مذهب شیعه می باشد، چون قائل بوجود امام حیّ و زنده است و اساس

۱- - این مقاله دلیل بر تأیید تمام عقائد و تفکرات پروفسور کربن نمی باشد.

۲- - قرآن از دیدگاه ۱۱۴ دانشمند جهان، ص۵۳.

اعتقاد خود را بر این می گذارد.

این مـذهب با اتّکاء و اعتقاد به حضـرت قائم آل محمّـد، «م - ح - م - د بن الحسن العسـکری»، پیوسـته باقی می مانـد و زنده است.(۱)

مـوقعی که در اروپـا بـودم، در «ژنـو» کنفرانسـی در موضوع «امـام منتظر به عقیـده شـیعه» دادم، و این مطلب برای اندیشـمندان اروپایی که حضور داشتند کاملاً تازگی داشت.(۲)

بد نیست بدانید، من در بین مناجات ها، به دو صحیفه، عشق می ورزم و آن ها را همراه با گریه و توجه زمزمه می نمایم:

۱- صحیفه ی سجادیه

۲- صحیفه ی مهدویه

اسلام محمّدی: از آشنایی با شما که با تحقیق، گرایش به دین فارقلیطا پیدا نموده و در اروپا و غیر

۱- - مطالب پروفسور از کتاب مهر تابان نقل گردید، ص۷۸-۷۵ با تغییر عبارت.

۲- - مجله ی موعود، شماره ی ۱۴: ص ۳۸.

آن مبلغ دین حق شدید، و نیز از آشنایی با آقای محدم صادق فخرالاسلام که تحصیل کرده ی علوم مسیحیّت در مدرسه ی عالی «آسوریه» بوده و تحت نظر واتیکان(۱) به مقام قسّیسیّت رسیده، ولی در اثر تحقیق مسلمان شده اند، بسیار شادمانم.

قبل از ورود شما، من به معرفی خود پرداختم، حال برای آگاهی بیشتر می گویم: راه من، راه کمال انسانی است، و من مردم را به هدف هستی، که معرفت و شناسایی خداوند است، سوق می دهم.(۲)

به پیروانم گفته و

می گویم:

خلقت و آفرینش بیهوده و باطل نیست،(۳)

همگان باید به تزکیه و خودسازی پرداخته، به خداوند متعال تقرب جویید، نه فقط آقای پروفسور کربن و آقای فخرالاسلام به حقانیت من رسیده اند، بلکه بسیاری از دانشمندان جهان مثل: آلبتر انیشتاین

۱- - انیس الاعلام فی نصره الاسلام: صفحه ی سرآغاز سخن.

۲- - و ما خلقت الجن والانس الا لیعبدون: ذاریات: ۵۶.

۳- - «ربنا ما خلقت هذا باطلاً... »: آل عمران: ۱۹۱.

(Albert Einstein) بزرگترین متفکر و فیزیکدان(۱).

جان دیون پورت (Ghon Daven Port) دانشمند و اسلام شناس نامدار انگلیسی.(۲)

دکتر گوستاولوبون (Goustawe Lebon) مورخ و اسلام شناس فرانسوی(۳)

دکتر علی سلمان کاتولیک فرانسوی(۴)

به تعریف و تمجید کتاب قانون من یعنی قرآن پرداخته، و بعضی از آن ها مسلمان شده اند، بالاتر از دانشمندان بزرگ، پیغمبران الهی می باشند، که به عناوین مختلف: مآدمآد – فارقلیطا و... از سخنگوی من تعریف و تمجید نموده، حقانیت مرا بازگو کرده اند.

در اینجا آقای پروفسور کربن سخن را از آقای اسلام محمّدی گرفته و به او گفت: ببخشید چون

۱- – قرآن از دیدگاه ۱۱۴ دانشمندان جهان.

۲- – مدرك قبل: ص۳۱.

۳- – مدرك قبل: ص۵۷.

۴- – مدرك قبل: ص۶۳.

شما بیمار هستید، مقداری استراحت کنید، تا مطلبی را از کتاب «لوامع ربّانی» باز گو نمایم.

نویسنده ی این کتاب از تورات آورده:

«و بشماعیل ستا هجوهنا سراحتی ائیی و حضری ائیی و حدیتی ائیلی بمادماد شینم

عشور لامیشا لعوی کودمل»(۱)

که معلوم است شماعیل عبارت از حضرت اسماعیل ذبیح است، و مآد مآد از نسل آن حضرت است. پس «ماد ماد» عبارت از حضرت محمّد صلی الله علیه و آله است و «شینم عشور» عبارت از آل بزرگوار و عترت نامدار آن حضرت که دوازده امام بوده باشد، چه معلوم است که «شینم» عبارتست از «دو» و «عشور» عبارتست از «ده».(۲)

ص:۲۵

۱- – لوامع ربانی: ص۳۸ و کتاب مصقل صفا: ص۱۸۳، اینگونه آمده است: «ولشما یتخوهنا یبراختی و خفریتی و حزبیتی بمادماد شنیم عسور لامیتا لغوی کوذیل» ترجمه ی فارسی: «شنیدم گفته ی تو را ای ابراهیم درباره ی اسماعیل، پس در او برکت بخشیده صاحب ثمر و میوه اش خواهم نمود.» چه ظاهر است که مادماد اشارت است به محمد صلی الله علیه و آله .
۲- – لوامع ربانی، ص۲۸.

و من عجب دارم از مؤلف کتاب مذکور (علامه میر سید احمد علوی) که چگونه به تورات و کتب مسیحیّت و یهودیّت اشراف داشته و زبان

عبری را خوب می دانسته است؟!!

فخرالاسلام: بله، مطالب آقای میر سید احمد علوی، داماد محقّق بزرگ مرحوم میرداماد، در کتاب لوامع ربانی صحیح است، من در «انیس الاعلام فی نصره الاسلام» همین مطلب را ذکر کرده ام.(1)

«وَ لِیشمِعیل شَمعَتِخ هِنّی بریختی اُتُودِ هَفرتی اُتُودِ هَربَتی اُتُو بِمادماد شِنِیمِ اسار نِسِی اِم وَاَناتَیتُوا لَکُویَ کادِل دَعالِ إسمعِیلَ شِمعِتُک هابِرکَتِهَ وَاسکِتّهَ وَ أکِبرتهِ طاب طاب تِرِع سَررُوربِنین تَولیدی وَاتلیُوح لِعامارُبا»

یعنی: ای ابراهیم دعای تو را در حق اسماعیل شنیدم اینک او را برکت دادم و مادماد و دوازده امام

۱- – انیس الاعلام، ج۵: ص۶۸.

از بستگان آن حضرت را بزرگ گردانیده، و او را امت عظیمی خواهم نمود.

مخفی نماند که مراد از «مآد مآد» هم در عبرانی و

هم در سریانی، حضرت محمّد صلی الله علیه و آله می باشد، یعنی این اسم از أسماء مقدّسه ی حضرت محمّد صلی الله علیه و آله است.

در اینجا آقای فخرالاسلام به سخن ادامه داد و خطاب به اسلام محمّدی گفت: مطلبی که جای سؤال دارد، این است که با توجه به تأیید فراوان انبیاء، نسبت به حقانیت شما و سخنگوی بزرگتان حضرت محمّد صلی الله علیه و آله چه عاملی باعث شده شما رنجور و بیمار گردید؟

اسلام محمّدی: سخنگوی من «فارقلیطا» با إیلیا (Elia) خویشاوند و در علم و معرفت و کمالات انسانی یکی بود، وقتی که می خواستیم تابلوی دانشگاه بزرگ انسانیت را بالا ببریم، عده ای از افراد نادان به ما سنگ می زدند و با پرروئی از تحصیل علم و دانش آموزی مردم ممانعت می نمودند.

رئیس

ص:۲۷

فقط «إيليا» که جوانی شجاع و با ايمان بود به

کمک ما شتافت و با مخالفين دانش به مبارزه پرداخت.

او در تمام مراحل تأسيس دانشگاه و تبليغ اساسنامه ی آن «فارقليطا» را ياری داد و همگان را به متابعت روش من دعوت نمود.

در کتاب قانون من، از إيليا بسيار تجليل به عمل آمده، او نفس فارقليطا محسوب گشته، و به مقام رهبری او تصريح شده است.(۱)

استعمارگران، سخت از إيليا نگران بودند، و از اينکه او فارقليطا رادر بيدار نمودنِ خلق ياری می داد، عصبانی می گشتند، ولی او به سرزنش ها توجه نداشت و با قلبی مطمئن به فداکاری در مسير اهداف من می پرداخت.

علی رغم فکر بد انديشان،دانشگاه با برنامه ريزی رئيس

۱- - آيات مربوط به امامت و ولايت فراوان است، به کتاب شريف الغدير علامه ی امينی رحمه الله و تفسير البرهان علامه بحرانی رحمه الله و شواهد التنزيل حسکانی حنفی مراجعه فرماييد.

من و سخنگویی و ریاست فارقلیطا و معاونت إیلیاء، تأسیس و تعداد فراوانی دانشجود پذیرفت.

دانشگاه در تمام رشته های علمی و تربیتی، کلاس و برنامه داشت و به ویژه در رشته ی الهیات و معرفت یابی تلاش می نمود.

من به فارقلیطا گفته بودم، از عظمت آفرینش و جهان طبیعت برای دانشجویان مطالبی بیان کند و از بزرگی آفرینش از ذرّه تا کهکشان بطور کلی دروسی را بازگو نماید.

معاون دانشگاه نیز بعد از فارقلیطا درس های او را شرح می نمود، و در علوم تجربی و آگاهی های طبیعی و دانش ریاضی برای دانشجویان سخنرانی می کرد، با اینکه راه و هدف من بیان علوم مادی و تخصص های طبیعی و تجربی نبود، و در خصوص توحید وسیر الهی تلاش

می نمودم ولی ریاست دانشگاه و معاون و اساتید بعد از او مثل «اذوما»(۱)، گاه در رشته های مذکور دروسی را برای شیفتگان علم و دانش

رئیس

ص:۲۹

۱- - اذوما یعنی: امام صادق علیه السلام : مصقل صفا: ص ۷۵.

تدریس می نمودند.

دانشـمند بزرگ، جـابربن حیّان، شاگرد «اذوما» در رشـته ی علم الحیل (مکانیک) ۱۳۰۰ و در رشـته ی طب ۵۰۰ و در رشـته ی نقض بر فلاسفه ۵۰۰ کتاب و رساله و کتابهایی در رشته ی شیمی نوشته است.

سیصد سال قبل، ۵۰۰ رسـاله از رسـاله های جابر در آلمان منتشـر شـده که هم اینک در کتابخانه ی دولتی برلن و کتابخانه ی دولتی پاریس موجود است.(۱)

آری، پس از مدتی از تأسیس دانشگاه، آوازه ی آن به همه جای عالم رسید. فارقلیطا با یاری إیلیا به

اجرای طرح های من می پرداختند و به دانشجویان، علم و بصیرت می آموختند.

طرح هـا بطور کلی آمـاده و بیـان شـده و فارقلیطا با اینکه در این مـدت، با سـنگ انـدازی مخالفانِ کمال و معرفت روبرو بود، موفق و پیروز به نظر می رسید.

همانطور که گفتم یک موفقیت بزرگ، که ما در

۱- – جابربن حیان پدر شیمی، ص۲۳.

تأسیس دانشگاه داشتیم، وجود «إیلیا» بود، که هم صدا با «فارقلیطا» اهداف دانشگاه را دنبال می کرد.

حتی، شبی که فارقلیطا را به آسمان ها بردند، از این پیروزی بزرگ، سخن به میان آمده، خبر تأیید فارقلیطا به وسیله ی إیلیا با پرچم های نورانی منتشر گردید.(۱)

طبق طرحی که من به قارقلیطا دادم، او به فکر

بقاء دانشگاه افتاد و با آینده نگری کامل، دوباره ی مدیریت آینده ی دانشگاه تصمیم گرفت.

یک روز فارقلیطا برای دانشجویان سخنرانی نموده، و گفت:

مرگ من نزدیک شده،و می خواهم توصیه هایی برای شما داشته باشم.

برای رسیدن به اهداف بزرگ تربیتی و انسانی از «دو شیء» گرانبها غفلت نکنید.

۱- کتاب درسی دانشگاه

۲- إیلیا و وابستگان او

۱- - شواهد التنزیل، ج ۱: ص۲۲۴.

نویسنده، که تا آن مدت ساکت بودم و به صحبت های اسلام محمّدی و فخرالاسلام و پروفسور کربن گوش می دادم، با طرح سؤالی به میدان صحبت آمده، خطاب به اسلام محمّدی گفتم:

از اینکه در مورد اهداف خود سخن گفتید و از خدمات فارقلیطا و معاون او (إیلیا) یاد نمودید، بسیار

بهرمند شدم؟ ولی اخیراً به بستگان إیلیا اشاره نمودید، خواهشمندم آنها را معرفی نمایید.

اسلام محمّدی: فارقلیطا چون لیاقت های إیلیا را دید دخترش (کوثر) را به ازدواج او درآورد، کوثر دانشجوی همین دانشگاه بود و در اثر تربیت الهی پدر و لیاقت های ذاتی در علم و اخلاق به بالاترین درجه ی کمال رسیده بود، ثمره ی ازدواج إیلیا و کوثر، فرزندانی پاک و دانش و دوست بنام «قیذار» و «اذوئیل» گردید.(۱)

فارقلیطا به این بستگان، که در بلند نگه داشتن تابلوی دانشگاه، یاری اش نموده بودند، و به

ص:۳۲

۱- - امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام .

خصوص دخترش (کوثر) برای اینکه الگوی زنان در تربیت و اخلاق شده بود، افتخار می کرد.

هر وقت هم، از من

نظرخواهی می نمود، من إیلیا و همسر و فرزندانش را تأیید نموده، برای اینکه دانشگاه علمی و تربیتی تعطیل نشود، می گفتم:

مدیریت آن را به این خانواده بسپارد، و در معرفی إیلیا و تأیید او سستی نکند.

یک روز به فارقلیطا گفتم:

بار دیگر در جمع دانشجویان از إیلیا تعریف کند و بگوید، او مدیر آینده دانشگاه است.

فارقلیطا از منافقین، که به نام دانشجو وارد دانشگاه شده بودند، و هدفشان اخلال گری بود، می ترسید، آن ها با دشمنی که با إیلیا داشتند، می خواستند اساس دانشگاه را بر هم بزنند و به تخریب بپردازند.

ولی من به فارقلیطا هشدار دادم، اگر مدیریت إیلیا را اعلان نکنی

دانشگاه به ضعف کشیده خواهد شد، و طرح های بزرگ من فراموش می گردد.

ص:۳۳

آن هنگام که اسلام محمّدی خسته به نظر می رسید، کمی ساکت شد، و سپس به ادامه ی صحبت پرداخت و گفت:

فارقلیطا به معرفی إیلیا پرداخت و او را به مدیریت دانشگاه منصوب نمود.

نصب إیلیا به مدیریت دانشگاه، منافقین و اخلال گران را مأیوس نمود، ولی باز دست از خراب کاری و مخالفت بر نداشتند.

البته دانشجویانِ خوب دانشگاه، در جامعه ی آن روز تأثیرات عیجیبی گذاشتند، و مردم دنیا را به شرکت در کلاس های علمی و تربیتی دعوت نمودند.

منافقین از اینکه دانشگاه به ریاست إیلیا در آینده، جهانی می شود، ترس و هراس داشتند.

فارقلیطا به مرگ نزدیک می شد، و چون خبر از تلاش

گروه اخلال گر داشت، دائماً به دانشجویان، هشدار می داد و منصب خویشاوندان خود را بازگو می کرد.

ص:۳۴

می گفت: اگر کسی مدیریت آینده ی دانشگاه را قبول نکند، محکوم و مردود است و افتخار شاگردی این دانشگاه را نخواهد داشت.

ولی بـا وفـات فارقلیطا، اخلال گران تمام آن چه را که او در مـدیریت إیلیا و فرزنـدانش گفته بود، فراموش کردنـد و دانشـگاه بزرگ علمی و تربیتی را بر هم زدند.

از آن روز که مبـانی اخلاقی فارقلیطـا، بـا سـتم در حق إیلیـا و همسـرش، زیر پـا گذاشـته شـد، و جامعه ای که در اثر تلاش و کوشش، آقایی و بزرگی یافته بود، به طرف ضعف و ناتوانی کشیده شد، بیماری، مرا احاطه کرده است.

سپس اسلام محمّدی رو به آقای فخرالاسلام و آقای کربن نموده گفت: با عوض شدن

مـدیریت دانشـگاه به دست منافقین، ضـعف شدیـد بر دانشـگاه وارد گردیـد، به طوری که اگر از هم کیشان قبلی شـما، (یعنی مسیحیان یا یهودیان) کسی به این دانشگاه رجوع می نمود، سؤالاتش بی پاسخ می ماند،

ص:۳۵

و در این هنگام فقط إیلیا بود که با دانش و بینش الهی به میدان می آمد و آبروی مرا حفظ می کرد.(۱)

وجود إیلیا در کنار دانشگاه، نقطه ی امیدی برای دانشجویان واقعی بشمار می آمد. ولی إیلیا هم،با دلی پر از غم و اندوه به فارقلیطا و همسر خود پیوست، و شهادت او کسالت و بیماری مرا رو به فزونی گذاشت.

بعد از شهادت إیلیا، فرزندانش (قیذار و اذوئیل) و فرزندان آن ها بدست

اخلال گران به شهادت رسیدند و من امروز بی یار و یاور شده ام، چراغ های هدایت سوسو می زند، و شمع کمال و معرفت به خاموشی می گراید.

دانشگاه علمی و تربیتی من به تعطیلی کشیده می شود و منافقان با جسارت تمام، به کار خود ادامه می دهند.

مکتب فارقلیطا در مبدأ وحی (مکه و مدینه) غریب است و وهابیت، با پیروان إیلیا و بستگانش

۱- – امام امیرالمؤمنین علیه السلام از دیدگاه خلفاء: ص۶۷ الی ۶۹.

مبارزه می کنند.

دشمان برای مرکز تشیع (ایران)، اندیشه ها دارند و علیه سربازان إیلیا و طرفداران من، فعالیت می کنند.

سپس اسلام محمّدی آهی کشید و ادامه داد:

بعضی خودی ها هم غریبه اند، از غریبه ها توقع یاری و نصرت ندارم، چرا خودی ها عوض ِ یاری، سنگ می زنند؟!

چرا فکر نمی کنند که من

آئین فطرتم، و برترین آئینم؟

من که با اهـداف أنبیاء، خویشم و مردم را به والاترین درجه ی کمال و اخلاق سوق می دهم، چگونه می توانم شکسـته شـدن تابلوی دانشگاه علم و معرفت را ببینم و ناظر هتك حرمت به رئیس و مدیریت دانشگاه باشم؟!

غم و اندو فراوان، بیماریم را صد چندان نموده است.

ص:۳۷

در این هنگام که اسلام محمّدی از بیان نگرانی ها سخت افسرده و خسته شده بود، آقای فخرالاسلام به عنوان دلداری به بیان بعضی از امیدها پرداخت.

فخرالاسلام: از بیان مشکلاتی که بر سر راه شما به وجود آمده، سخت متأسف هستم، ولی شما به نقاط مثبت اشاره نفرمودید.

حتماً خبر دارید، بعضی از جوامع بشری به این نتیجه رسیده اند که بدونِ اعتقاد به مکتب الهی، زندگی جز ذلت و زبونی، چیز دیگری نیست.

بشر برای رسیدن به کمال واقعی باید در دانشگاه پیامبران نام نویسی کند.

بعضی از محققان با کاوش های فراوان دنبال انتخاب برترین سیستم بوده، شما را یگانه مکتب حیات بخش شناخته اند.

همانطور که قبلاً اشاره

فرمودید، بعضی از دانشمندان غرب و اروپا به حقانیت شما پی برده، و

ص:۳۸

با قلم و زبان به تأیید راه شما پرداخته اند.

مسیحیانی مثل من، و پروفسور کربن، در جهان امروز فراوانند، که از دروغ پردازی ها و تحریف های مسیحیّت و یهودیّت و مذاهب دیگر کاملاً- رنجیده شده، با تشنگی خاص، به چشمه سار مکتب فارقلیطا و إیلیا، خود را رسانده و به شما (اسلام محمّدی) معتقد گشته اند.

البته مسیحیان و یهودیانی هم داشته ایم، که از آیین پرخرافه ی خود، سرباز زده از روی بی ظرفیتی و عوض پناه بردن به مکتب نور و هدایت، علم و بصیرت، تقوی و عدالت، تلاش و مجاهدت یعنی اسلام محمّدی به دروغ پردازی ماتریالیست ها توجه کرده، مُلحد و لامذهب شده اند.

نویسنده: چون از بعضی

مسیحیان و متدیّنین به ادیان و مذاهب دیگر سخن به میان آمد، سه خاطره برای شما بیان می کنم.

ص:۳۹

خاطره ی اول:

از آقای سومیاکی (So-Miyaki) مهندس و محقق ژاپنی است که بودایی و اهل ژاپن بود.

او با مراجعه به کتاب های فراوان و مباحثه در مرکز جهانی حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف ، اسلام را بهترین نقشه ی زندگی و جانشینان فارقلیطا را مفسران آن نقشه دانست و در تاریخ ۲۵/۸/۱۳۷۴ هجری شمسی، مسلمان گردید.(۱)

خاطره ی دوم:

مولوی عبدالرحمن خطیب شافعی، که خود اهل علم و حدیث بود، با مراجعه به مرکز مذکور به حقّانیّت إیلیا و بستگانش پی برده و در تاریخ ۲۶ فروردین ۱۳۷۵ از تسنّن به تشیّع گرایش

پیدا کرد.

ص:۴۰

۱- - دست خط آقای سومیاکی مبنی بر تشرّف به دین مبین اسلام، در آرشیو مرکز جهانی موجود می باشد.

خاطره ی سوم:

آقای عمّار لوموناکو، (مسلمان شده در ۱۹۹۵ میلادی) که سابقاً به نام روجیرو لوموناکو (Rojero Lomonako) نامیده می شده، اهل ایتالیا ساکن در لندن بود، او در تاریخ ۵/۲/۱۳۷۹ هجری شمسی به مرکز مذکور آمد و سؤالاتی را در مورد دوازدهمین وصی مآدمآد مطرح نمود، و حقیر با او گفتگو نموده به سؤالاتش پاسخ دادم.

مطلبی که بسیار برای من جالب به نظر رسید، این بود که آقای عمّار، در مورد دستورات عترت و بستگان فارقلیطا سؤال نمود.

گفتم: دستورات آن ها، حکم خدای متعال به حساب می آید، یعنی امر و نهیشان باید پیروی بشود.

گفت: چرا و چگونه؟

گفتم: چون آن ها حکم الله را خوب می دانند و هرگز خطا و اشتباه نمی کنند، کتاب قانونِ فارقلیطا می فرماید:

ص:۴۱

«إنّما یُریدُالله لِیُذهِبَ عَنکَمُ الرِّجسَ اَهلَ البَیت وَ یُطَهِّرَکُم تَطهِیرا» (1)

هنگامی که آیه ی تطهیر را که در عصمت بستگان فارقلیطا نازل شده است خواندم، آقای عمّار گفت: ۳۳، ۳۳ یعنی آدرس این آیه، سوره ی احزاب، آیه ی ۳۳ است.

دانستم که در این مدت ۵ سالی که مسلمان شده است، خوب در معتقدات اسلامی کار کرده است و این نقطه ی امیدی است که محقّقان جهان و شیفتگان حقیقت، به معتقدات اسلامی علاقه نشان می دهند.

فخرالاسلام: بلی، مجموعاً این ها نقاط امید برای اسلام محمّدی است، ایشان نباید با دیدن ناملایمات صدر اسلام و

حق کشی های اهل سقیفه و شوری و امروز با دیدن حرکت های استعماری، ناامید شود.

من فکر می کنم اگر قدرت های استعماری، آزادی اندیشه بدهند، در آینده ی نزدیک همه ی

۱- - احزاب: ۳۳.

محققان و اندیشمندان جهان به آیین اسلام گرایش پیدا می کنند.

اسـلام محمّـدی: بله، من به همه ی مطالبی که شـما گفتیـد توجه دارم، ولی با مسـلمان شـدن چند نفر مسـیحی و بودایی و یا با شیعه شدن چند نفر سنی، اصلاح کلی انجام نمی گیرد.

شما از تبلیغاتی که دشمنان در غرب و اروپا، علیه من انجام می دهند، خبر ندارید!!

مستشرقین و خاورشناسان بنام اسلام شناسی، بزرگترین ضربه را بر پیکر من زده و می زنند.

وهابیت، دست نشاندگان استعمار، بنام توحید، با شرط قبول توحید، یعنی عترتِ

فارقلیطا، مخالفت می نمایند.

اینان به مبانی مکتب إیلیا تاخته، با نشر کتب انحرافی و تهمت و دروغ پردازی، از گسترش نور ولایت جلوگیری می نمایند.

ایادی وهّابیّت در ایران اسلامی به جلسات توسّل و توجّه به عترت می تازند و مردم را به بی توجّهی

ص:۴۳

نسبت به ولایت و پرچمداران آن، محدّثان و مراجع شیعه سوق می دهند.

در هند و پاکستان تعداد کتبی که اخیراً علیه ولایت نوشته شده به صدها کتاب می رسد.

در بقیّه ی کشورهای اسلامی، دست استعمار، مسلمین را به فساد اخلاق و عقیده کشانده، با ترویج کتب و مجلات گمراه کننده، نسل جوان را به بی تقوایی و انکار حقایق سوق می دهد.

اصلاح کلی با تبلیغات کم و مختصر، تلاش و فعالیت

افراد عادی و حتی علماء و محققان، نمی تواند شکل بگیرد.

البته مسئولیت هر کسی در حد توان خود اوست، و انتظار اصلاح کلی سلب وظیفه از مسلمین، خاصّه علماء و محقّقان نمی کند.

همه ی شما برای نگهداری مرزهای اعتقادی من باید فعالیت کنید و مقاصد الهی فارقلیطا و إیلیا را برای مردم دنیا تشریح نمایید.

یکی از وظایف، در جامعه ی انسانی امروز، نشر

کتب و آثار صحیح در مورد دوازدهمین وصی فارقلیطا یعنی قیذما است،که صلح کلی جهان بدست او صورت می گیرد.

مردم باید به فضائل و بزرگی و ویژگی های مصلح کل آشنا بشوند و معرفت امام زمانشان را کسب نمایند.

امید به آینده، همراه با صلح و صفای معنوی، به زندگی انسان ها، جان تازه و نشاط فراوان می بخشد.

اصولاً فتوریسم(۱)

یعنی اعتقاد به دوره ی آخرالزمان، و انتظار ظهور منجی جهانی، عقیده ای است که در کیش های آسمانی، یهودیّت (جودائیسم)، و زرتشتی (زور استریانیسم) و مسیحیّت (در سه مذهب عمده ی آن: کاتولیک، پروتستان و ارتدوکس)، و مدعیان نبوت عموماً، و دین مقدّس اسلام خصوصاً، به مثابه ی یک اصل مسلم قبول شده است؛ و درباره ی آن در مباحث تئولوژیک مذاهب و آیین های آسمانی، رشته ی

ص:۴۵

۱- -Fotorism.

تئولوژی بیبلیکال، کاملاً شرح و بسط داده شده است.(۱)

وظیفه است که این امید را در مردم زنده نمایید، و وسائل ارتباط معنوی با (قیذما) (Kedem-oth) دوازدهمین وصی فارقلیطا را، بخصوص برای نسل جوان فراهم کنید.

اسلام محمّدی ادامه داد:

اگر پیشرفت های علمی و معنوی زمان ظهور و امتیازات اجتماعی و اقتصادی آن برای مردم تشریح گردد، همگان برای تعجیل فرج دعا می کنند، و به زمینه سازی برای ظهور می پردازند. در این باره یکی از بستگان، فارقلیطا به نام «شفاع»(۲)

گفته:

«إذا قامَ قائمُنا وَضَعً یَدَهُ عَلی رُوسِ العِباد فَجَمَعَ بِهِ عُقُولُهُم وَ اَکمَلَ بِهِ أخلاقُهُم»(۳)

ص:۴۶

۱- - خورشید مغرب، ص۵۲.

۲- - حضرت امام محمد باقر علیه السلام .

۳- - بحارالانوار، جلد۵۲: ص۳۳۶.

هنگامی که قائم ما قیام کند، دستش را بر سر بندگان می گذارد و به عقول تمرکز بخشیده و اخلاقشان را به کمال می رساند.

ترقی علمی و رشد اخلاقی و نزول برکات مادی و معنوی

در زمان ظهور انجام می گیرد و اصلاح کلی به وجود می آورد.

مصلح کل با ظهورش از ستمگرانِ صدر اسلام(اهل سقیفه، و ادامه دهندگان راهشان) انتقال گرفته و عدل را در تمام عالم، گسترش داده، دل بیمار مرا شفا می بخشد، بیماری و غربت من تا زمان ظهور ادامه دارد، پس هر کس مرا می خواهد، یعنی با آیین فطرت اُنس و محبتی دارد باید ظهور شفابخش من «قیذما» را از خداوند بخواهد.

در اینجا آقای فخرالاسلام به سخن در آمد و خطاب به اسلام محمّدی گفت:

بله، آنچه شما می فرماید، عین واقع و حق است، ما با تحقیق در کتب ادیان شناسی، انتخاب برتر نموده

و شما را به عنوان دین برتر برگزیده ایم.

همانطور که سابقاً هم

گفتم، حقانیت پیامبر اسلام و دوازده وصی او در تورات و انجیل بیان شده است و من در کتاب «انیس الاعلام فی نصره الاسلام» در این موضوع صحبت نموده ام و ظهور شفا بخش اسلام محمّدی از جمله بشارت هایی است که در کتب گذشتگان آمده است، مثلاً:

در کتاب زبور جناب داود چنین آمده است: ای خدا!!! احکام خود را به پادشان ده و عدالت خویش را به پسر پادشان، و او قوم تو را به عدالت داوری خواهد نمود، و مساکین تو را به انصاف...

فرزندان فقیر را نجات، و ستمگران را ذلیل خواهد ساخت... در زمان او صالحان خواهند شکفت و وفور سلامتی خواهد بود.(۱)

او حکم رانی خواهد کرد که از دریا تا دریا، و از نهر تا اقصای جهان، جمیع

سلاطین، او را تعظیم

۱- - زبور، مزبور۲۲، ترجمه ی فارسی چاپ لندن سال ۱۸۹۵ میلادی.

خواهند کرد و جمیع امت ها، او را پیروی خواهند نمود.(۱)

و این عبارت تماماً بر حکومت دوازدهمین وصی پیامبر تطبیق می کند.

در واقع مسئله ی اعتقاد به حکومت جهانی حضرت، تنها مربوط به شیعیان و مسلمانان نیست؛ بلکه همه ی اقوام و ملت ها با عبارات گوناگون و تعبیرهای مختلف اعتقاد به این مسئله را بروز داده، به آینده ای روشن و همراه با عدالت، امیدوار بوده اند.

سپس آقای فخرالاسلام با حالت انکسار، خطاب به افراد جلسه گفت: من با دیدن اسلام محمّدی که در رنجوری و بیماری به سر می برد، بسیار نگران و ناراحت شدم، و به دلیل علاقه ای که به این دین جامع

و انسان ساز دارم، برای سربلندی و سلامتی آن دعا می کنم.

اسلام محمّدی: از شما تشکر می کنم و همچنین از همه ی اندیشمندان جهان که در این چهارده قرن

۱- – انیس الاعلام فی نصره الاسلام: جلد۷: ص۳۸۶.

به نـدای فطرتشـان توجه کرده، برخلاف نظر اسـتعمارگران، بـا قلم و زبان به یاری و نصـرت من شـتافته انـد، سپاسـگزاری می نمایم؛ همانطور که قبلاً گفتم اگر کسـی به من علاقمنـد می باشـد باید به تجدید کننده ی راه و روش من (دوازدهمین وصـیّ پیامبر) دعا نماید.

دعای فرج و طلب نمودن ظهور منجی کل، فرج و گشایش، فتح و پیروزی من و یاران واقعی من است.

در این هنگام به دستور آقای اسلام محمّدی، فخرالاسلام و پروفسور کربن و بنده کمترین، دست به دعا برداشتیم و برای ظهور و تعجیل فرج به نیایش

پرداختیم.

«أمّنَ یُجیبُ المُضطَرَّ إذا دَعاهُ وَ یَکشِفُ السُّوء»(۱)

۱- – نمل: ۶۲.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹